

نمایش شورانگیز ایجاز اعتراض

ناصر پیشرو

حرکت سمبولیک "دختر خیابان انقلاب" که در نمایشی صامت و شورانگیز، بر بلندایی ایستاد و نماد حجاب اجباری و کنترل بر زنان را بر سر چوبی حلق آویز کرد-و بی تردید در تاریخ مبارزات زنان ماندگار می ماند- بحث های زیادی را برانگیخته است. هر فرد و گروه و گرایشی به نسبت درك خود از آزادی زنان واکنش متفاوتی داشت. این حرکت سمبولیک -که در متن خیزشی خودانگیخته جمهوری اسلامی را به چالش طلبید- از جنس همان خیزش ساختار شکنانه بود و همانند سکویی که "دختر خیابان انقلاب" بر آن ایستاد، جهشی بود در راستای افزایش سطح خواسته های جنبش زنان. واکنش به این حرکت در فضای سیاسی و شبکه های اجتماعی گسترده و وسیع بود و طیف های گوناگون واکنش های متفاوتی داشتند: فمینیست های پرو اصلاحات که دامنه تلاش هایشان برای "تغییر" جز لابی گری با - الگوهای -فمینیسم اسلامی- در ساختار قدرت، نبوده است به بهانه "حفظ هنجار های فرهنگی مردم" یا سکوت کردند و یا به تقبیح آن پرداختند. همین ها در کمپین های مختلف که چند سال پیش رونق داشت، با توجیحات متفاوت، مخالف سرسخت لغو حجاب اجباری بودند.

طرفداران "تغییرات مسالمت آمیز در جنبش زنان"، اگر چه حس همدلی شان را با حرکت "دختر انقلاب خیابان" اعلام داشتند، اما جنبه ساختار شکنانه و قهر آمیزی يك حرکت ساده، که چالشی بزرگ برای دستگاه های ایدئولوژیک اسلامی و سیستم سرکوب داشت را نادیده گرفتند. چرا که به گمان آنها حرکت های ساختار شکنی جنبش ها را از راه بدر می کند. اما اگر منصف باشند باید بپذیرند که همین حرکت، جهشی بود در بالابردن خواسته های جنبش زنان.

از همه مضحك تر قیل و قال های سلطنت طلبان و شرکای جدید آنها روزی نامه نگاران اصلاح طلب سابق بود که با مفصل بندی مدل های رضاخانی و دعاوی ایدول هایی که از کریدورهای مجلس نکبت اسلامی به استودیو های صدای آمریکا راه یافته اند، پیگیرانه کوشیدند که از این نمذ برای ی خود کلاهی بدوزند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی يك نابهنگام تاریخی است که با وعده و وعید، دروغ و نیرنگ، بر فراز يك انقلاب ضدسلطنتی نشست و با ادغام دین و دولت، چنان شرایط دهشتناکی به جامعه تحمیل کرد که سلطنت طلبان رانده شده از قدرت نیز مدعی معرکه و دارای پلاتفرم شده اند.

دختر خیابان انقلاب" اما از دل خیزشی ساختار شکن، سربلند کرد و آشکار و عیان بر "فراز سکویی ایستاد. و این یعنی به ریشخند گرفتن "آزادی های یواشکی". البته خبرنگار مدل ساز "آزادی یواشکی" که مدتها بعد از خروج از ایران حجاب اسلامی بر سر داشت، -همانند انبوهی از پدیده های عجیب و غریب اصلاح طلب/خبرنگار بی طرف، که به

رسانه های جریان اصلی سرازیر شده اند- مهارت حیرت انگیزی برای مصادره و از آن خود نمودن گفتمان و خواسته هایی را دارند که سالهای سال گروه های مترقی و پیشرو جامعه برای تحقق آنها تلاش کرده اند. هر انسان نیمه آگاهی می داند که زنان پیشرو، مترقی و چپ ده ها سال برای آزادی پوشش، تلاش بی گسستی داشته اند و دستکم صدها سمینار، نشست و گردهم آیی و ... برگزار کرده اند و اسناد بیشماری در این باره موجود است.

سناریوی دیگر، بازگشت تزه های زنگ زده "ضد امپریالیستی" توده ای ها و دعاوی عتیقه شده اصحاب کف های چپ نما، به صحنه بود. آنها با مهارت غریبی که در توجیهه "اولویت" ها دارند، بر طبل "اولویت معیشت و مشکلات کارگری" کوبیدند. پشت بی حقوقی زنان کارگر هفت تپه سنگر گرفتند تا حجاب و پوشش را فاقد اهمیت جلوه دهند و حتی با تردستی ماهرانه کوشیدند ذهنیت جستجوگر نسل جوان متمایل به چپ را مغشوش کنند.

حضور مدافعین پدر / مرد سالاری در جنبش های کارگری و چپ، پدیده تازه ای نیست. پیشینه ای به قدمت جنبش زنان دارد. اگر حضور آنها در گذشته به پشتوانه تزه های عقب مانده نظیر "واکنش طبیعی مرد نان آور" توجیه می شد، در عصر جهان گرایی فزاینده سرمایه داری که بخش عظیمی از فروشندگان نیروی کار، زنان کارگر هستند، ماندگاری سرسختانه آنها و مخدوش نمودن خواسته های زنان، پشت سنگر دفاع از کارگر، تنها یاد آور نقش اصحاب کف های این جماعت است. عکس های منتشر شده از زنان کارگر هفت تپه نیز نشانه، تغییر بافت جنسیتی در جنبش کارگری و حضور پر رنگ زنان است. زنانی که جسورانه ساختار طبقاتی را به چالش می گیرند. هر آدم کم هوشی هم درك می کند که نقابی که بر چهره دارند نه بورقه که پوششی برای استتار از دستگاه سرکوب است ستم بر زنان و از جمله کنترل بدن آنها و حجاب، مساله طبقه کارگر است به این دلیل ساده که در ایران میلیونها زن کارگر هستند و علاقه ندارند بدنشان بواسطه مذهب و دولت کنترل شود. رهایی زنان مساله جنبش سوسیالیستی و طبقاتی کارگران است چرا که استراتژی طبقه کارگر علاوه بر رهایی از سلطه طبقاتی، نفی همه سامانه های سلطه است از جمله مناسبات سلطه ستم گرایانه پدر/مرد سالاری. به انقلاب اکتبر نگاه کنید، عظمت تلاش هایی که برای آزادی زنان شد، هنوز شهره عام و خاص است. همان گونه که شکست آن، با باز پس گیری دست آورهای زنان همراه بود. تحقق سوسیالیسم با رهایی و آزادی زنان میسر است.

در خاتمه تاکید کنم که ایجاز اعتراض بر علیه حجاب، در جامعه ای که يك حكومت نابهنگام تاریخی تا بن دندان مرتجع، بواسطه انبوهی از نرم ها، اخلاقیات، فرهنگ سنتی و مذهبی، زنان را کنترل و سرکوب می کند، نشانه امکان فروریختن دیوارهای آهنین ممنوعیت ها است و جهشی بلند در سطح مطالبات ایجاد کرده که برگشت ناپذیر است.

ناصر پیشرو
ژانویه ۲۰۱۸